



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.1, No3, 60-80.
Dor 20.1001.1.28212088.2022.1.3.3.1

Historical geography in two perspectives An introduction to the importance of historical geography around Iran's historical issues¹

Mohammad Jalal Makhani²

Abstract

In this article, we are trying to provide a description of the concept of historical geography. Then discussing about changes in historical geography in recent years. whether what is understood today from the concept of historical geography is the same. Was it understood in the past or not? Therefore, in two parts, we will try to compare the definitions of historical geography among the ancients and contemporaries. The new understanding of historical geography that exists among German and English geographers, despite the great difference that the old understanding of this category had, has a lot of dynamics that can provide a wide objectivity for this concept so that the audience of this field with a practical, scientific, objective, dynamic and comprehensive - to deal with a static and subjective category. In our view, historical geography is not a static and learned category to understand the place of geographical names, but a very dynamic knowledge system, whose minimum function is to express an appropriate answer to our border, identity and history issues and a solid step to strengthen the national relations of Iranians.

Keywords: *Geography, Historical geography, History, Iran*

¹ . Received, 2022/09/16; Accepted, 2022/11/11; Printed, 2022/12/03

² . PhD Candidate in Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. M.J.Makhani@gmail.com (Corresponding Author)

This writing dedicated to Dr. Mohammad Taghi Rahnamaei, for his knowledge and kindness.



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، ۶۰-۸۰.

جغرافیای تاریخی از دو منظر درآمدی بر اهمیت جغرافیای تاریخی پیرامون مسائل تاریخی ایران^۱

محمدجلال ماخانی^۲
چکیده

در نوشتار پیش رو سعی خواهیم کرد ضمن ارائه شرحی از «چیستی» جغرافیای تاریخی، به این امر بپردازیم که جغرافیای تاریخی در سال‌های اخیر چه تغییراتی را به خود دیده و اساساً آیا آنچه امروز از مفهوم جغرافیای تاریخی فهم می‌شود، همان است که در گذشته فهمیده می‌شد یا خیر؟ از همین رو، در دو بخش سعی خواهیم کرد تا ضمن ارائه تعاریفی از جغرافیای تاریخی نزد قدما و معاصران، به مقایسه آنها بپردازیم. فهم جدید از جغرافیای تاریخی که نزد جغرافی‌دانان آلمانی و انگلیسی وجود دارد، علی‌رغم تفاوت زیادی که فهم قدما از این مقوله داشته، دارای پویایی بسیار فراوانی است که می‌تواند عینیتی گسترده را از برای این مفهوم فراهم آورد تا مخاطبان این رشته با مقوله‌ای کاربردی، علمی، عینی، پویا و فراگیر-در برابر مقوله‌ای ایستا و ذهنی- سروکار داشته باشند. در نگر ما جغرافیای تاریخی نه مقوله‌ای ایستا و از یادرفته برای درک جای نام‌های جغرافیایی بلکه نظام دانشی بسیار پویایی است که کمینه کارکرد آن، ابراز پاسخی درخور به مسائل مرزی، هویتی و تاریخی ما و گامی مستحکم برای تحکیم مناسبات ملی ایرانیان خواهد بود.

واژگان کلیدی: جغرافیا، جغرافیای تاریخی، تاریخ، ایران.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۵؛ تاریخ پذیرش، ۱۴۰۱/۸/۲۰؛ تاریخ چاپ، ۱۴۰۱/۹/۱۲
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول) M.J.Makhani@gmail.com
این نوشته پیش‌کش-بسیار ناچیز به استاد بزرگوارم دکتر محمدتقی رهنمایی به پاس دانش و مهربانی‌های اوست.

مقدمه

بر اساس مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی سابق، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کنونی، مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۲ درس جغرافیای تاریخی با عنوان «جغرافیای تاریخی ایران» یکی از دروس مشترک کلیه گرایش‌های رشته تاریخ در مقطع دکتری است. بر همین اساس، این درس در دانشگاه‌های مختلف در مقطع دکتری به دانشجویان تدریس می‌شود. باین‌حال، جغرافیای تاریخی - در معنای امروزی آن و نه معنایی که در گذشته به ذهن متبادر می‌شد- به سبب ماهیت میان‌رشته‌ای^۱ آن چندان مورد پسند استادان و دانشجویان قرار نگرفته است. هرچند در جلسات نخستین کلاس بسیاری از استادان تاریخ، بر اهمیت جغرافیای تاریخی تأکیدی تام و تمام می‌ورزند، اما عدم اقبال خود آنها به جغرافیای تاریخی در معنای جدید آن - دست‌کم با مراجعه به تولیدات علمی استادان- مؤید مدعای ماست.

در بخشنامه یادشده، هدف از این درس «تحقیق درباره وضع جغرافیای سرزمین ایران در ادوار گذشته و مطالعاتی درباره اقلیم و رابطه مردم با آن - بررسی حدود و ثغور ایران در ادوار تاریخی آن- بررسی مراکز اقتصاد و پراکندگی جغرافیایی-جمعیتی- راه‌های عمده بازرگانی علل ایجاد و انحطاط شهرها و مراکز جمعیتی آثار و ابنیه بزرگ تاریخی و هماهنگی و ارائه نقشه‌های تاریخی». ذکر شده است. فارغ از جمله‌بندی بد و مبهمی که در این بخشنامه به کار رفته و نگارنده آن را عیناً نقل کرده است، این تعاریف نشان‌دهنده این معناست که حتی تدوین‌کنندگان این مفاد - که همچنان در دانشگاه‌ها نیز جاری و ساری است- دارای درکی منظم و سامان‌مند از جغرافیای تاریخی نیستند و در خوشبینانه‌ترین شکل از این درس برداشتی در سطح مسالک‌الممالک داشته و از تحولات آن در کالجهای غربی پاک بی‌اطلاع بوده و هستند؛ دست‌کم به سبب عدم تصحیح انشای این متن آشفته و نیز

۱. این مصوبه از آدرس زیر قابل دریافت است:

- <https://literature.ut.ac.ir/documents/10469/95574596/%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1%DB%8C%20%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE.pdf>

۲. Interdisciplinary

به روزرسانی تعریف جغرافیای تاریخی! آنچه در این متن بسیار بدیهی به نظر می‌رسد، آن است که ظاهراً در نگاه ایشان جغرافیای تاریخی یعنی انجماد جغرافیا در دورانی کهن و به طریق اولی قطع ارتباط جغرافیای تاریخی با جغرافیای امروزی. شاهد این مدعا در این معنا مستور است که نویسندگان این متن از ارتباط تاریخی این شاخه دانش با وضعیت کنونی سکوت کرده‌اند.

منظر اول: جغرافیای تاریخی؛ تداوم توصیف‌های «مسالک‌الممالک»

با سقوط ایران‌شهر و آغاز دوران اسلامی در تاریخ ایران، عمده مورخان این دوره در کنار توصیف‌های تاریخ‌نگارانه خود، مقوله جغرافیا را نیز مطرح نظر داشته‌اند. در برخی از این آثار پیوند تاریخ و جغرافیا مشاهده می‌شود^۱ و در برخی دیگر نیز جغرافیا موضوع اصلی است و نویسنده سعی در ارائه گزارش‌های جغرافیایی از مناطق مختلف می‌کند.^۲ نخستین جغرافی‌دانان مسلمان در قرن سوم هجری حضور داشتند و در همین دوران کتاب‌های مسالک تقریر شده‌اند.

گای لسترنج^۳، خاورشناس شهیر، مسالک‌ها را کتاب‌هایی می‌داند «که در خصوص راه‌ها و فواصل و مسافت‌های شهرها و منزلگاه‌هاست و در ضمن از شهرهایی که سر این راه‌ها واقع گردیده‌اند گفت‌وگو به میان می‌آورد و از تاریخ و خصوصیات آن شهرها کم‌وبیش اطلاعاتی به دست می‌دهد» (لسترنج، ۱۳۹۰، ۱۳). ابن‌خردادبه (۲۱۱ تا حدود ۳۰۰ ه.ق)، اصطخری (درگذشت ۳۴۰ تا ۳۴۶ ه.ق) و ابن‌حوقل (درگذشت پس از ۳۶۷ ه.ق) سه نفر از مشهورترین نویسندگان کتاب‌های مسالک‌الممالک هستند. اگرچه مطالعه و بررسی متون جغرافیایی کهن از جمله مسالک و ممالک‌ها تا حد زیادی می‌تواند مخاطبان را با «چگونگی» موقعیت‌های جغرافیایی آشنا کند، اما طرفه اینجاست که فهم جغرافیایی گذشته تنها یکی از پایه‌های جغرافیای

۱. همانند التنیه والاشراف و مروج الذهب و معادن الجواهر از مسعودی، فتوح البلدان از بلاذری، تاریخ یعقوبی از یعقوبی، اخبار الطوال از دینوری، زین‌الخبار از گردیزی و... در این آثار که، عمدتاً، در گونه تاریخ‌نویسی عمومی قرار می‌گیرند، نویسنده شکل اقالیم، سرزمین‌ها، پادشاهی‌ها و... را توصیف می‌کند.

۲. مانند فارسنامه ابن بلخی، معجم البلدان از یاقوت حموی، نزهة القلوب از حمدالله مستوفی و بسیاری دیگر.
 ۳. Guy Le Strange, 1854-1933

تاریخی، در معنی امروزی آن است - که در سطور آتی در باب آن سخن خواهد رفت - و نه کل آن.

تدریس جغرافیای تاریخی که در ایران از دهه ۱۳۴۰ شمسی به بعد با پیشنهاد زنده‌یاد دکتر منوچهر ستوده در دانشکده الهیات دانشگاه تهران آغاز شد (بنگرید به قرچانلو، ۱۳۸۲، ج ۱، ۱ و ۲) و قدمت چندانی هم ندارد، این درس اوایل دهه ۶۰ شمسی به‌عنوان درسی مستقل وارد سرفصل‌های دانشگاهی شده و تدریس آن در رشته‌های تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، جغرافیا و... کماکان ادامه دارد. از همان روزگار یکی از منابع مهم برای تدریس این درس، کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی از لسترنج بوده؛ اثری که در عنوان انگلیسی خود^۱ «اساساً فاقد عنوان جغرافیای تاریخی است» (احمدوند، ۱۳۸۸، ۵۰). در کنار این کتاب، اثری با عنوان جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی^۲ نوشته شادروان دکتر حسین قرچانلو وجود دارد که از لحاظ محتوایی بر همان نهج لسترنج استوار است. قرچانلو نیز در این کتاب از جغرافیای تاریخی برداشتی مانند لسترنج داشته و اطلاعات جغرافیایی فراوانی را نقل کرده و می‌توان اثر وی را در واقع تکمیل‌کننده جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی دانست. مرحوم دکتر حسین کریمان، یکی دیگر از استادانی است که ضمن داشتن تألیفاتی در این عرصه (بنگرید به کریمان، ۱۳۵۰ و ۱۳۵۵) با همان درک و شیوه سنتی و مرسوم، سال‌ها به تدریس این درس در دانشگاه شهید بهشتی به دانشجویان جغرافیا پرداخته است.

از همین‌رو جغرافیای تاریخی، دست‌کم در رشته‌های تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، دارای چنین رویکردی است؛ یعنی ثبت و ضبط نام قدیم شهرها، فواصل آنها از یکدیگر، اقوام ساکن در آن و به‌علاوه وجه تسمیه

1. The lands of the Eastern Caliphate

۲. مشخصات این کتاب‌ها به شرح زیر است:

- قرچانلو، حسین، *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی*، (۱۳۸۰)، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
- قرچانلو، حسین، *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی*، (۱۳۸۲)، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.

شهرها و اموری از این دست. این فهم و دریافت از جغرافیای تاریخی که در واقع همان تداوم سنت جغرافیایی قدیم است، موجب شده تا این درس در شمار دروس فرعی دانشجویان قرار بگیرد؛ درسی که پس از پاس شدن هم هرگز اهمیت آن فاش نمی‌شود و سرنوشتی جز فراموشی نیز در انتظار آن نیست. نگاه انتقادی ما به رویکرد سنتی یا توصیف‌های مسالک‌الممالکی از این‌رو نیست که بخواهیم به تمامی چنین روشی را که سالیان متمادی تدریس شده است بی‌فایده نشان دهیم، بلکه انتقاد ما از دو منظر است: یکی اینکه در این شیوه، دانستنی‌ها صرفاً با تکیه بر محفوظات به دانشجویان منتقل می‌شود و دیگر اینکه ارتباط وضعیت گذشته جغرافیای با وضعیت کنونی ایران و توجه به برخی مسائل تاریخی ایران که ریشه جغرافیایی-تاریخی دارد، مغفول واقع می‌شود.

۴ مفهوم در جغرافیا و تاریخ

در جهان امروزی، جغرافیای تاریخی تحت تأثیر مکاتب مختلف، تغییرات بسیاری را به خود دیده است و تعاریف مختلفی نیز از آن وجود دارد (برای آگاهی از برخی از این تعاریف بنگرید به احمدوند، ۱۳۸۸، ۴۲ تا ۴۴) که می‌توان آن را امری کاملاً متفاوت با تلقی‌های رایج در ایران دانست. همان‌طور که در بخش پیشین گفته شد، در میان محافل علمی ایران، وجه تسمیه شهرها، راه‌ها و اموری از این دست دستمایه و موضوع اصلی این رشته قرار گرفته (برای نمونه بنگرید به باستانی و مردوخ، ۱۳۹۲)، اما بر اساس رویکردهای امروزی، چنین مطالعه‌هایی در واقع بخشی از جغرافیای تاریخی است و نه کل جغرافیای تاریخی.

برای آشکارشدن این تفاوت‌ها و تنویر بحث بایسته است تا نسبت به تعریف چهار مفهوم^۱ مهم در تاریخ و جغرافیا پردازیم که عمدتاً هم با یکدیگر خلط می‌شوند و آشفتگی‌هایی را پیش می‌آورند. این مفاهیم چهارگانه به قرار زیر است:

1. Concept

الف. تاریخ جغرافیایی^۱: این زمینه شامل بررسی تاریخ و تاریخچه شکل‌گیری جغرافیاست؛ جغرافیا در چه مراحل شکل گرفته است؟ در این مطالعات تشکیل جغرافیا را می‌توان از منظر تاریخ طبیعی^۲ و زمین‌شناسی^۳ بررسی کرد.

ب. تاریخ جغرافیا^۴: در این مطالعات تاریخ علم جغرافیا از دوران قدیم تا به امروز مورد بررسی قرار می‌گیرد. دانش جغرافیا از یونان باستان آغاز و در جوامع مختلف از جمله روم و جهان اسلام رشد و نمو یافت و با همین دانش بشر وارد دوره اکتشافات و عصر استعمار شده و تحولات در این شاخه دانشی کماکان ادامه دارد.

پ. جغرافیای تاریخ^۵: جغرافیای تاریخ زمینه‌ای از مطالعات مؤثر در صنعت گردشگری است که به وسیله آن محیط‌های جغرافیایی را که در آن رویدادهای تاریخی واقع شده، مورد مطالعه و بازدید قرار می‌دهند. این زمینه در کنار فضای دانشگاهی کاربرد فراوانی در صنعت گردشگری دارد. برای نمونه برخی وقایع تاریخی برای بازدیدندگان بازسازی می‌شوند تا این افراد ضمن لذت بردن از اوقات فراغت، با تاریخ در محل جغرافیایی آن آشنا شوند.

ت. جغرافیای تاریخی^۶: جغرافیای تاریخی به سبب گسترش و اقبالی که در سال‌های اخیر به دست آورده است، دارای تعاریفی گوناگونی است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. رابین آلن بوتلین^۷، استاد بازنشسته دانشگاه لیدز^۸، معتقد است این مفهوم تا پیش از قرن بیستم میلادی بر سه حوزه دلالت داشته است:

1. Geographical history

2. Natural history

3. Geology

4. the history of geography

5. the geography of history

6. Historical geography

7. Robin Alan Butlin

8. the University of Leeds

- بازسازی جغرافیای توصیف شده در کتاب مقدس^۱ و روایت‌های کلاسیک یونانی و رومی؛
- جغرافیای تاریخ [روزگار گذشته] برای آشکار ساختن حدود و ثغور مرزهای امپراتوری‌ها؛
- تاریخ سفرها و اکتشافات جغرافیایی (Butlin, 1993: 21).

بنا بر نظر مایک هفرنان^۲، استاد دانشگاه ناتینگهام^۳، جغرافیای تاریخی یکی از زیرشاخه‌های جغرافیای انسانی است که به ارتباط و تأثیر جغرافیای گذشته بر تشکیل جغرافیای اکنون و آینده می‌پردازد (Heffernan, 2008). در دائره‌المعارف بریتانیکا^۴ ذیل مدخل جغرافیای تاریخی به تحریر سردبیران^۵ بریتانیکا، جغرافیای تاریخی یعنی «مطالعه جغرافیایی گذشته یک مکان یا ناحیه در دوره زمانی مشخص» (www.britannica.com/science/historical-geography).

تا به امروز، مکاتب مختلف جغرافیایی تعاریف خود را از این شاخه دانشی ارائه کرده‌اند؛ تعاریفی که در عین معقول بودن، گاهی متناقض نیز به نظر می‌رسند. از همین رو، در سطور آتی برای تقریر بحث می‌کوشیم تا عناصر اصلی مورد کاوش در جغرافیای تاریخی را مطرح کرده تا «چیستی» جغرافیای تاریخی -در عصر کنونی و معنای مدنظر ما- بیشتر آشکار شود.

1 . Holy Bible

2 . Mike Heffernan

3 . the University of Nottingham

4 . Encyclopædia Britannica

5 . سردبیران بریتانیکا در این مدخل:

[Adam Augustyn](#), [Patricia Bauer](#), [Brian Duignan](#), [Alison Eldridge](#), [Erik Gregersen](#), [J.E. Luebering](#), [Amy McKenna](#), [Melissa Petruzzello](#), [John P. Rafferty](#), [Michael Ray](#), [Kara Rogers](#), [Amy Tikkanen](#), [Jeff Wallenfeldt](#), [Adam Zeidan](#), and [Alicja Zelazko](#).

منظر دوم: جغرافیای تاریخی در جهان امروز

جغرافیای تاریخی در جهان امروز و در معنای مورد نظر ما، متشکل از چهار عنصر است؛ انسان^۱، زیست و معیشت^۲، زمان^۳ و فضای جغرافیایی^۴. در میان این چهار عنصر، به جز فضای جغرافیایی که ارتباط کمتری با انسان دارد، دیگر عوامل ارتباطی مهم با عامل نخست یعنی انسان دارند و همین تنیدگی است که همواره جغرافیای تاریخی همواره ذیل جغرافیای انسانی^۵ دسته‌بندی می‌شود. بدین ترتیب، به بررسی مختصر این عناصر می‌پردازیم.

1 . Human

2 . Life and Livelihood

3 . Time

4 . Geographic Space

5 . Human geography

انسان

در عوامل چهارگانه دخیل در جغرافیای تاریخی انسان، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عامل شکل‌دهنده جغرافیای تاریخی است. اگر جغرافیای تاریخی را علم مطالعه «چشم‌انداز»^۱ در طول تاریخ، یعنی از دیروز تا امروز و تأثیر دیروز و امروز بر فردا بدانیم، به‌هیچ‌روی این مطالعه بدون درک و فهم عامل انسانی قابل ادراک نیست.

زیست و معیشت، زمان و فضاهای جغرافیایی عوامل دیگری در پیدایش جغرافیای تاریخی هستند که در سطور آتی در باب آنها سخن خواهد رفت، اما شکل‌گیری و شکل‌دهی عوامل مزبور در دید عنصر انسان است. در واقع، انسان توانسته تأثیرات اراده خود را بر آنها اعمال کند و به همین سبب در مطالعه امروز جهان و پیش‌بینی چشم‌انداز آینده پدیده‌های یگانه‌ای مشاهده می‌شود که فقط با در نظر گرفتن عاملیت انسان قابل فهم است. پدیده‌هایی همچون:

- یک تاریخ و دو جغرافیا: یونان و مقدونیه
 - یک جغرافیا و دو ملت: مناقشه هند و پاکستان
 - یک تاریخ در پی یک جغرافیا: شکل‌گیری کشور اسرائیل
 - یک تاریخ و جابه‌جایی جغرافیایی: جابه‌جایی آرامنه از ارمنستان تاریخی به ارمنستان امروزی
 - یک تاریخ در چند جغرافیا: تجزیه امپراتوری عثمانی به کشورهای مختلف پس از جنگ جهانی اول
 - یک جغرافیا بدون تاریخی معین: شکل‌گیری جمهوری باکو با نام جمهوری آذربایجان
- و مواردی از این دست که با پایان جنگ جهانی دوم در بسیاری از نقاط جهان به چشم می‌خورد.

¹ . Landscape/ Landschaf

زیست و معیشت

در جغرافیای تاریخی زیست به معنای سکونت و «چگونگی» سکونت بشر در مناطق مسکونی و معیشت مشتمل بر فعالیت اقتصادی انسان است. جغرافیای تاریخی همواره با تمدن‌های بشری سروکار دارد که توانسته‌اند با تأسیس سکونتگاه‌های دائمی از کوچ‌روی به تمدن برسند. نوع بشر از ابتدا یا کوچ‌رو بوده یا یکجانشین. کوچ‌روی خود بر دو نوع کوچ عمودی و افقی تقسیم می‌شود. کوچ‌روی عمودی همان شیوه کوچ عشایر است که با الگوی بیلاق- قشلاق/ سمیرم- طارم بر اساس تغییرات آب‌وهوایی انجام می‌شود و با هر فصل کوچ‌روان محل زیست خود را در ارتفاعات جابه‌جا می‌کنند. در کوچ‌های افقی، کوچ‌روان سرزمین‌های مختلفی را طی می‌کنند که برخی اوقات نیز از الگوهای فصلی پیروی می‌کنند. این کوچ‌روان معیشت خود را طی کوچ با انجام فعالیت‌های اقتصادی مانند خرید و فروش، برپایی کارناوال‌های موسیقی، سیرک و... تأمین می‌کنند. از نمونه‌های کوچ‌روان افقی می‌توان به کولی‌ها در آسیا و اروپا و مردمان رومانس در اروپا اشاره کرد. امروزه زبان رمانشی^۱ یکی از چهار زبان رسمی فدراسیون سوئیس است و محل اجتماع گویشوران این زبان، کانتون گراوبوندون^۲ است.

دامپروری و کشاورزی دو پایه مهم در اشکال معیشتی انسان بوده‌اند که کماکان نیز هستند. در مطالعات جغرافیای تاریخی بررسی معیشت مؤلفه بسیار مهمی است؛ زیرا نوع سلوک انسان‌ها، ارتباط مستقیمی با تیپ معیشتی آنها دارد. مثلاً در اجتماعات یکجانشین تیپ معیشتی تدافعی به چشم می‌خورد؛ درحالی‌که تیپ معیشتی در اجتماعات کوچ‌رو، مانند ایلات و عشایر، به‌طور عمده، تهاجمی و غارتگرانه است. اهمیت دیگر توجه به شکل زیست و معیشت در جغرافیای تاریخی در این معنا نهفته است؛ زیرا با درک زیست و معیشت در هر مکانی می‌توان به درکی از نیازهای فضایی اعم از شکل طراحی شهرها، چگونگی راه‌های ارتباطی با دیگر نقاط دست یافت.

1. Romansh

2. Grisons/ Graubünden

زمان

بر اساس یافته‌های باستان‌شناختی و منابع تاریخی به‌جامانده، نوع بشر با مفهوم زمان آشنایی دیرپایی داشته است. وجود ساعت‌های آبی، آفتابی و بسیاری دیگر همگی شاهد این مدعا است. با این حال، بشر از دوران ابتدایی زندگی سعی داشته تا به‌گونه‌ای بر زمان مدیریت داشته باشد و با سرعت بخشیدن به کارهای خود بهره بیشتری را از زمان ببرد.

مواجهه بشر با زمان در دوران پیشامدرن و سعی انسان برای غلبه بر زمان در دوره مدرن یکی از موضوعات دیگر در جغرافیای تاریخی است. انسان در طول سال‌های حیات خود بر روی کره خاکی توانسته با استفاده از ماشین، حجم تولیدات خود را از یک سو افزایش دهد و از سوی دیگر حجم کار خود را نیز به لحاظ زمانی کاهش دهد. برای مثال در دوران انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم میلادی، در طول هفته هر کارگر شش روز و هر روز ۱۴ ساعت مشغول کار بود که مجموع این ساعات ۸۴ ساعت در هفته بود؛ در روزگار کنونی ما ساعات کار به هفته‌ای ۴۴ ساعت کاهش یافته و بنا بر گفته اهل نظر این زمان احتمالاً در نیمه دوم قرن بیست و یکم میلادی در غرب پیشرفته به میزان ۲۴ ساعت در هفته کاهش خواهد یافت.

فضای جغرافیایی

این عامل تا حد زیادی برگرفته از عوامل طبیعی زمین است. هرچند انسان دوره مدرن توانسته است در فضای جغرافیایی خود تغییراتی ایجاد کند، اما فضای جغرافیایی به‌طور کلی دارای محدودیت‌های فراوانی مانند ثابت بودن مساحت زمین و... است. بررسی و توصیف فضای جغرافیایی در هر منطقه^۱ و ناحیه^۲ نیازمند بررسی موارد ذیل است:

1. Zone

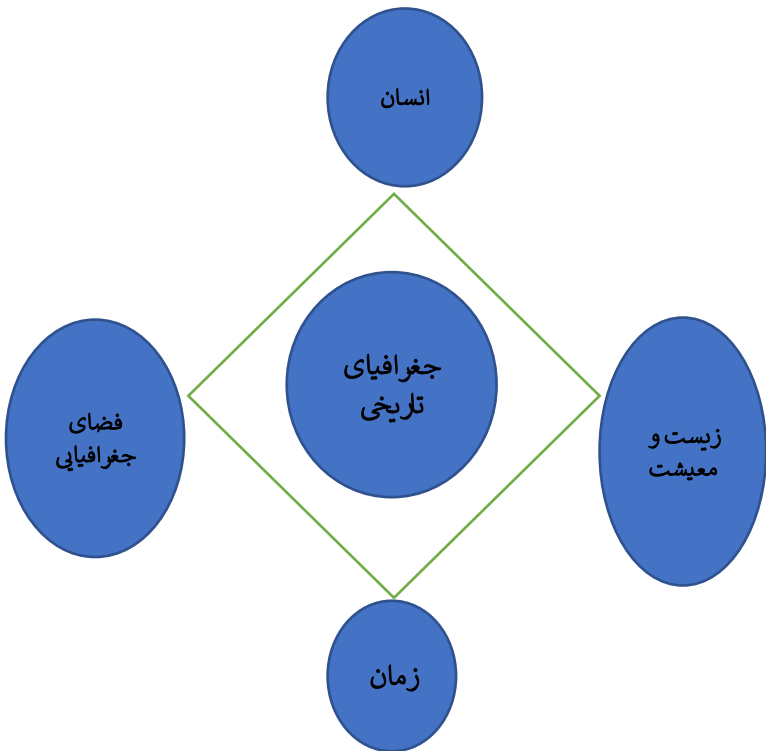
2. Region

الف: طول و عرض جغرافیایی مناطق؛

ب: فاصله تا دریا؛

پ: ارتفاع از سطح دریا؛

ت: قرارگیری در جریان‌های هوایی.



شکل شماره ۱: عناصر تشکیل‌دهنده جغرافیای تاریخی

در مدل مفهومی بالا، عناصر تشکیل‌دهنده جغرافیای تاریخی که پیش‌تر در خصوص آنها گفتیم، نشان داده شده‌اند و می‌توان تأثیر آنها را بر شکل‌گیری جغرافیای تاریخی در مفهوم نوین آن دید. در معنای نوین جغرافیای تاریخ این عناصر به سبب پویایی، تأثیر فراوانی بر زیست و نیز هویت نوع بشر دارند و حتی به دیگر سخن می‌توانند به هویت و وضعیت کنونی معنا و مفهوم ببخشند (بنگرید به رهنمایی، ۱۳۹۹، ۷۷۶).

جغرافیای تاریخی در جهان امروز

فهم امروزین جغرافیای تاریخی دارای تفاوتی آشکار با فهم پیشامدرن از این رشته مطالعاتی است. در سطور پیشین سعی کردیم موارد مهم در مطالعات جغرافیای تاریخی را تشریح کنیم تا رهیافت‌های جدید در جغرافیای تاریخی آشکار شود. در واقع، جغرافیای تاریخی در جهان امروز را می‌توان سلسله‌مطالعاتی قلمداد کرد که با بررسی گذشته جغرافیایی سعی در ارائه تصویری از آینده دارند؛ مطالعاتی که در آینده‌پژوهی^۱ بسیار کاربردی و ضروری است.

کاربرد دیگر جغرافیای تاریخی تأثیر این مطالعات در بررسی‌ها و پژوهش‌های هویتی است. همان‌طور که آشکار است، در جهان امروز و به‌ویژه ایران کنونی، با توجه به موقع جغرافیایی و تنوع اقوام و گسترش جریان‌های واگرای تجزیه‌طلب، مطالعات هویتی راهکاری مناسب برای دستیابی به وفاق ملی و حفظ تمامیت ارضی ایران است. آنتونی اسمیت در ارائه تعریفی از ملت می‌گوید: «ملت عبارت است از یک جمعیت انسانی که به این اسم نامید شده‌اند و اعضای آن دارای سرزمین تاریخی، اسطوره‌ها، خاطره‌های تاریخی، فرهنگ عمومی، اقتصاد و حقوق و وظایف قانونی مشترکی هستند» (بنگرید به معینی‌علمداری، ۱۳۸۶، ۲۷) یا رنان در تشریح ملت می‌گوید: «ملت جان است و اصلی معنوی. این جان، این اصل معنوی، از دو عنصر تشکیل یافته است که در واقع یکی هستند. نخستین عنصر در گذشته جای دارد و دومین در اکنون. یکی تملک مشترک ارثیه پرباری از

¹ . Futures studies/ futurology

خاطره‌هاست و دیگری هم‌داستانی اکتونی است، میل به زیست با همدیگر و خواست تداوم‌بخشیدن به باروری میراثی است که به‌صورت مشاع به ما رسیده است» (رنان، ۱۳۹۱، ۴۷). مطالعه گذشته با رودیکرد جغرافیایی، رهیافتی عینی برای تبیین چالش‌های هویتی- ملی در بستر تاریخی آن است و می‌تواند عامل راهگشای مسائل آینده باشد. اگر عنصری که بر اساس آن ملتی تشکیل‌شود را به دو بخش عینی^۱ و ذهنی^۲ تقسیم کنیم (بنگرید به معنی‌علمداری، ۱۳۸۶، ۲۷)، جغرافیای تاریخی عهده‌دار تثبیت عوامل عینی ساخت ملت‌هاست.

جغرافیای تاریخی و مسئله ایران

یکی از مهم‌ترین بخش‌های پژوهش‌های مرتبط با مسئله ایران مطالعات هویتی و سرزمینی است. کشور ایران به سبب قدمت تاریخی خود از گذشته‌های دور حدود و ثغور جغرافیایی خود را در اسناد تاریخی‌ای مانند کتیبه بیستون ثبت کرده و آثاری از این دست مقوم احساسات تاریخی- هویتی ایرانیان است. در مقابل، اکنون تبلیغات جبهه پان‌ترکیسم (بنگرید به بیات، ۱۳۸۶)، در مرزهای شمال غربی ایران و جعل هویت‌های تاریخی از سوی کشورهای حوزه‌های خلیج فارس که بعضاً قدمت آنها کمتر از برخی دانشگاه‌های ایرانی است، در جریان است. استفاده از رهیافت‌های جدید در جغرافیای تاریخی هم‌اکنون وجهه همت کشورهای همسایه ما قرار گرفته است و ایشان با چنین ابزاری در حال برساخت هویت برای خود هستند.

در میان آثار اندیشمندان ایرانی، جغرافیای تاریخی در مفهوم نوین خود کمتر مورد توجه بوده است؛ چراکه جغرافیای تاریخی نوین برخلاف، شکل سنتی آن دارای ماهیتی انضمامی و عینی است. امروزه در کنار بررسی متون ادبی برای پژوهش‌های هویتی می‌توان از علم جغرافیای تاریخی نیز مدد جست تا بتوان گامی را در راستای هم‌گرایی ملی و رفع برخی شکاف‌های هویتی برداشت. برای نمونه یکی از مناقشاتی که کماکان کشور ایران با آن

1. Objective

2. Subjective

دست‌به‌گریبان است، مسئله مدعیات جعلی رژیم باکو درخصوص مناطق آذربایجان است. گویا در دورانی که برخی کشورهای همسایه ایران از تسخیر خاک ایران نومید شده‌اند، به تسخیر میراث فرهنگی ایران یا حتی مصادره جای‌نام‌های تاریخی یا مصادره شاعران و سازهای ایرانیان اقدام می‌کنند. چنین تلاشی از سوی رژیم باکو و کشورهای خلیج فارس برای جعل نام‌های تاریخی ایرانی رخ داده و کماکان نیز در جریان است.

موضوع مشابهی مانند مدعیات جعلی جمهوری باکو، در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی بین یونان و جمهوری مقدونیه نیز رخ داده است. ماجرا به این شرح بود که پس از فروپاشی یوگسلاوی سابق، جمهوری سوسیالیستی مقدونیه با نام جمهوری مقدونیه به عنوان کشوری مستقل اعلام استقلال کرد. پس از تشکیل این کشور استفاده از نام مقدونیه مورد اعتراض دولت یونان قرار گرفت؛ زیرا نام مقدونیه به یونان باستان متعلق بود و دولت یونان را به سبب احتمال ادعای این جمهوری نوپدید بر خاک تاریخی آنان اندیشناک می‌کرد. در نهایت با فشارهای دولت یونان در سال ۲۰۱۹ میلادی نام این جمهوری به جمهوری مقدونیه شمالی و نام فرودگاه بین‌المللی اسکندر کبیر به فرودگاه بین‌المللی اسکوپیه تغییر یافت.

برخلاف مورد بالا، در بدو اعلام استقلال کشور جمهوری آذربایجان از شوروی سابق در اوت سال ۱۹۹۱ میلادی این نام از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شد و پس از آن نیز این جمهوری ضمن هم‌پیمانی با دشمنان ایران در این منطقه کماکان به تهدید منافع ملی ایران اقدام می‌ورزد. موضوع پذیرش نام این جمهوری از همان آغاز مورد اعتراض ایرانیان بوده است که آخرین نمونه آن نامه اتحادیه انجمن‌های علمی تاریخ به رئیس مجلس شورای اسلامی، محمدباقر قالیباف، در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۱۸ بود که البته حاصلی نیز در پی نداشت (بنگرید به داودی، ۱۴۰۰). رژیم باکو، اما هرگز با انفعال عمل نکرده است و پس از مصادره و ثبت چوگان به نام خود، مراتب اعتراض خود به شهرداری تهران را که برای بزرگداشت نظامی گنجوی خیابان‌هایی را با نام‌هایی چون بادکوبه، تفلیس، آبخاز، گنجه و... مزین کرده، از طریق سفیر خود در سال ۱۴۰۰ ابراز کرده است

در پی تلاش برای بازگشایی دالان زنگزور است. (<https://shoaresal.ir/fa/news/367006/>) و اکنون نیز با کمک ترکیه

حاصل سخن

مقایسه نگاه سنتی به جغرافیای تاریخی در برابر نگاه مدرن آن مبین این معناست که جغرافیای تاریخی در رویکرد سنتی آن دانشی غیرپویا با محوریت اماکن تاریخی و بدون هرگونه ارتباطی عینی با امروز و آینده است، درحالی که فهم جدید از این مطالعات دارای رویکردی پویا و عینی به گذشته، امروز و تأثیر آن بر آینده است. جغرافیای تاریخی در معنای سنتی آن دانشی برای فهم تاریخ محلی، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی است، درحالی که جغرافیای تاریخی در معنای نوین آن را می‌توان نیای جغرافیای سیاسی^۱ و علم ژئوپلتیک^۲ و منبعی برای علم روابط بین‌الملل^۳ دانست.

نگاه امروزی به جغرافیای تاریخی بر محوریت انسان استوار است؛ موجودی که نیت‌مندی^۴ آن موجودی غیرقابل پیش‌بینی از او می‌سازد و همین امر موجب تغییرات در فضاهای جغرافیایی به دست این عامل شده است. جغرافیای تاریخی مطالعاتی است که می‌تواند ارتباط دیروز، امروز و آینده را بر مبنای تغییرات توضیح دهد، پس بنابراین تعریف آنچه استادان پیش‌کسوت و قدمای ما جغرافیای تاریخی می‌خواندند و کماکان بر تدریس آن بر همان نهج سابق اصرار و ابرام دارند، در کمال احترام به سعی ایشان را نمی‌توان جغرافیای تاریخی نامید؛ زیرا چنین مطالعاتی در گذشته -همان توصیف‌های مسالک‌الممالکی- انجماد یافته‌اند و قادر به حل مسائل مبتلابه در جامعه امروزی ایران و آینده نیستند.

معنای نوین جغرافیای تاریخی که در این مقاله به آن پرداختیم و ضمن تشریح تعاریف و عناصر متشکل آن را بازگو کردیم، می‌تواند پایه و بن‌مایه

1 . Political geography

2 . Geopolitics

3 . International relations

4 . Intentionality

مطالعات هویتی و حکمرانی در ایران قرار بگیرد و همچنین توجه ویژه با این شاخه دانش، قوام‌بخش دولت‌ملت و مناسبات ملی ایرانیان خواهد بود؛ چراکه موضوع جغرافیای تاریخی نه گذشته و توجه به گذشته که اکنون و آینده است.

منابع

فارسی

۱. احمدوند، عباس (۱۳۸۸)، تأملی در آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی در ایران، *مجله تاریخ اسلام*، دوره ۱۰، شماره ۸، مسلسل ۴۰.
۲. احمدی، حمید (۱۳۹۷)، *قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه یا واقعیت*، چاپ چهاردهم، تهران، نشر نی.
۳. اسمیت، آنتونی، دی (۱۳۹۴)، *ناسیونالیسم و مدرنیسم: بررسی انتقادی نظریه‌های متأخر ملت و ملی‌گرایی*، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ دوم، تهران، ثالث.
۴. اشرف، احمد و همکاران (۱۳۹۹)، *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*، ترجمه و تدوین دکتر حمید احمدی، تهران، نشر نی.
۵. بارتلد، ویلهلم (۱۳۷۷)، *جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه از روسی به انگلیسی توسط سوات سوچک، با یراستاری و مقدمه کلمنت ادموند بزورث، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، چاپ اول، تهران، بنیاد موقوفات افشار.
۶. بارتولد، واسیلی ویلادیمیروویچ، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، چاپ سوم، تهران، توس ۱۳۷۲.
۷. باستانی‌راد، حسن و مردوخ، دلارا (۱۳۹۲)، *گونه‌شناسی جای‌نام‌ها در جغرافیای تاریخی ایران*، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۷، شماره پیاپی ۱۲، فروردین.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (۱۴۰۱)، *فتوح البلدان*، ترجمه دکتر محمد توکل، تهران، ماهریس.

۹. بیات، کاوه (۱۳۸۶)، آشنایی با پان‌ترکیسم و تأثیر ماجرای روشنی‌بیگ بر آن، ایران، هویت، ملیت، قومیت، به کوشش حمید احمدی، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۰. بیکر، آلن، اچ (۱۳۹۲)، جغرافیا و تاریخ: پیوند مرزها، ترجمه مرتضی‌گودرزی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۱۱. پلانول، گزایوه دو (۱۳۹۰)، مبانی جغرافیای تاریخ اسلام، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۱۲. درسگفتارهای دکتر محمدتقی رهنمایی در کلاس‌های دوره دکتری رشته تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نیم‌سال تحصیلی اول، ۱۳۹۷-۱۳۹۸.
۱۳. ژنان، ارنست و همکاران (۱۳۹۱)، ملت، حس ملی، ناسیونالیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران، آگه.
۱۴. داودی، امین، جمهوری آذربایجان، مقدونیه ایران، نامه اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی تاریخ به محمدباقر قالیباف، کانال تلگرامی اتحادیه، @etehadie_tarikh، تهران، ۱۴۰۰.
۱۵. رهنمایی، محمدتقی (۱۳۹۹)، موضوع‌شناسی جغرافیای تاریخی در قالب یک مدل مفهومی، مجموعه مقالات نخستین همایش جغرافیای تاریخی: نخستین همایش گروه جغرافیای تاریخی جهان اسلام، جلد اول، جمعی از نویسندگان، چاپ اول، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۱۶. قرچانلو، حسین (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۷. قرچانلو، حسین (۱۳۸۲)، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
۱۸. کراچکوفسکی، ایگناتی، یولیانویچ، (۱۳۹۳)، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۹. کریمان، حسین (۱۳۵۰)، برخی از آثار بازمانده از ری قدیم: بقایای بناهای ری کهن که بر فراز کوه‌ها و تپه‌های آن حدود از شاهان و امرا و بزرگان پیشین بجامانده، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران.

۲۰. کریمان، حسین (۱۳۵۵)، **تهران در گذشته و حال**، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۲۱. کلاول، پل (۱۳۷۶)، **تاریخ جغرافیا**، ترجمه دکتر سیروس سهامی، چاپ اول، مشهد، انتشارات محقق.
۲۲. گلر، ارنست (۱۳۸۸)، **ناسیونالیسم**، ترجمه سید محمدعلی تقوی، تهران، نشر مرکز.
۲۳. گوردن ایست، دابلیو (۱۳۹۲)، **تاریخ در بستر جغرافیا**، ترجمه دکتر حسین حاتمی نژاد و حمیدرضا پیغمبری، چاپ اول، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۲۴. لسترنج، گای (۱۳۹۰)، **جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۵. لومبار، موریس (۱۳۹۰)، **جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین**، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۲۶. **مجموعه مقالات دومین همایش جغرافیای تاریخی (۱۴۰۰)**، جمعی از نویسندگان، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۲۷. مسعودی، ابوالحسن علی بن‌الحسین (۱۳۸۹)، **التنبیه و الاشراف**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن‌الحسین (۱۳۸۸)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۹. معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۶)، **هویت**، تاریخ و روایت در ایران، ایران، **هویت، ملیت، قومیت**، به کوشش حمید احمدی، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۳۰. یعقوبی، احمد بن‌اسحاق (۱۳۹۳)، **البلدان: کهن‌ترین متن جغرافیایی مسلمانان**، ترجمه محمدابراهیم آیتی بیرجندی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

انگلیسی

31. Adam, G and Others, (2021), **Atlas of the Historical Geography of the Holy Land**, Legare Street Press.
32. Aharoni, Yohanan, (1979), **The Land of the Bible: A Historical Geography**, The Westminster Press.
33. Freeman, Edward Augustus, (2020), **The Historical Geography of Europe**, Library of Alexandria.
34. HEFFERNAN, M, (2008), **Historical geography Institute of Historical Research**, University of London.
35. Historical geography at Encyclopædia Britannica.
36. Pounds, Norman J. G, (1990), **An Historical Geography of Europe**, Cambridge University Press.
37. Robb, Graham, (2008), **The Discovery of France: A Historical Geography**, W. W. Norton & Company.
38. Robin Butlin, (1993), **Historical Geography: Through the Gates of Space and Time**, London.